

# سندی به خط عبدالرحیم خان خانان (سپهسالار اکبر شاه گورکانی)

سید امیر منصوری\*

## چکیده

عبدالرحیم خان خانان (۹۶۴-۱۰۳۶ ق) سپهسالار اکبر شاه (۹۴۹-۱۰۱۴ ق) و جهانگیر گورکانی (۹۷۶-۱۰۳۶ ق) وزیر کاردان، مترجم زبان دان، منجم ذوفنون و موسیقی دان و شاعر هنرور پارسی گوی ایرانی نژاد هند بود. او کتابخانه‌ای داشت که آثار فراوانی از فارسی و عربی و هندی در آن گرد آورده بود و به تربیت شاعران و هنروران و موسیقی دانان می‌پرداخت. این مقاله سخنی است از مرارت‌های فراهم آمدن خمسۀ امیر خسرو دهلوی به خط سلطانعلی مشهدی در سال‌های نخست سده یازدهم و یاریگران وی در گردآوری آن و نیز بیان دو دیدگاه تاریخی درباره وی، روایتی به زبان عبدالرحیم و دیگر روایتی از زبان صاحب اکبرنامه.

**کلیدواژه‌ها:** عبدالرحیم خان خانان، خمسۀ امیر خسرو، ابوالفضل علامی، اکبرنامه، سلطانعلی مشهدی.

## مقدمه

عبدالرحیم (۹۶۴-۱۰۳۶ ق) فرزند محمد بیرم خان مقتول به ۹۶۸ ق از طایفهٔ ترکمان و از نوادگان پیر علی بیگ بود. پیر علی بیگ از سران ترکمانان قراقویونلو و حاکم همدان و دینور و کردستان در سال‌های حکومت شاه اسماعیل صفوی (۹۰۶-۹۳۲ ق) بود که از عراق عجم به بدخشان رفت و از آنجا به قندوز نزد امیر خسرو شاه و سپس با فرزند خویش سیف‌علی بیگ جد عبدالرحیم خان به خدمت بابر (۸۸۸-۹۳۷ ق) رسید. پس از تولد بیرم‌خان در بدخشان و وارد شدن پدرش به دربار بابر، محمد بیرم نیز وارد دربار او شد تا اینکه پس از وفات بابر، محمد بیرم در ۱۶ سالگی به خدمت همایون نائل آمد و جایگیر شد.

هنگام گریز همایون به ایران در سال ۹۵۱ قمری محمد بیرم خان نیز همراه او شد و پس از گذشتن از هرات و نیشابور و سبزوار به قزوین آمد. به سبب فراست و وفاداری نسبت به همایون، شاه طهماسب به محمد بیرم علاقه‌مند می‌شود و از وی می‌خواهد که در ایران بماند و منصب امیرالامرای طایفهٔ ترکمان را اختیار کند، ولی خان نمی‌پذیرد و حاضر نمی‌شود که از یاری همایون دست بکشد و این وفاداری بر عقیدهٔ طهماسب نسبت بدو می‌افزاید و به او لقب «خان خانان» اعطا می‌کنند (حلیم، ص ۶۸).

پس از فتح هند به یاری سپاه ایرانی قزلباش و رشادت محمد بیرم خان، همایون در ۹۶۲ ق عزل می‌شود و پسرش اکبر بر تخت شاهی می‌نشیند، ولی همچنان محمد بیرم ملازم دربار گورکانیان است تا جایی که مهمان امور مملکت به دست اوست و همین امر سبب سعایت مغرضان می‌شود و اکبر را از او می‌رنجانند.

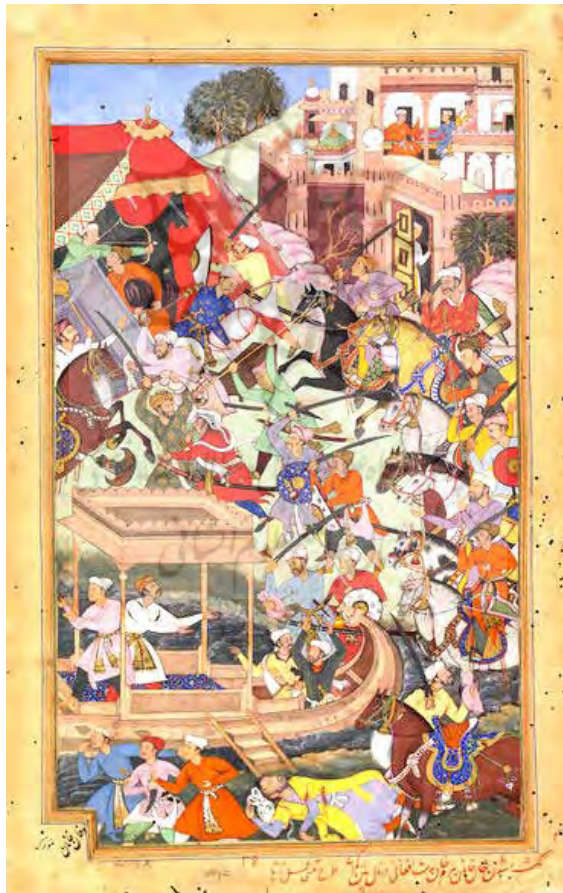
محمد بیرم خان نیز از مقام خویش کناره می‌جوید و راه حج درپیش می‌گیرد، اما در راه، پیر محمد شیرانی کمر به قتل او می‌بندد چنانکه محمد بیرم خان می‌گوید:

ارادهٔ سفر حجاز داشتم لیکن چون معلوم شد (که ما هم افگه و غیره مزاج پادشاهی را منحرف ساخته آوارگی مرا به خود نسبت می‌دهند) لهدا به خاطر رسید که یک دفعه سزای بدکرداران داده سپس متوجه آن سفر مبارک شوم و ملا پیر محمد شروانی را که در این ولا علم و نفاذ یافته متعهد اخراج من گشته دربابم (شاهنواز خان، ج ۱، ص ۳۷۶).

پس از درگیری میان سپاه محمد بیرم خان و اکبر، بزرگانی چون حسین خان جلایر در

این نبرد جان می‌بازند و خان با دیدن سر بریده این هم‌رزم خویش چنان تأسف می‌خورد که جمال‌خان را برای عذرجویی به دربار اکبر راهی می‌کند و سپس تقاضای سفر حج می‌نماید که پذیرفته می‌شود.

خان‌خانان در راه کعبه به منزل نهرواله و مقام کولاب سه‌س لنگ می‌رسد و پس از پیاده شدن از قایق، مبارک‌خان لوحانی در لباس مصافحه و با قصد مقاتله خنجر از میان می‌کشد و او را مضروب می‌سازد و خان‌خانان را در سال ۹۶۸ ق به قتل می‌رسانند (همو، ج ۱، ۳۸۰).



صحنه قتل محمد بیرم خان، اکبرنامه، موزه ویکتوریا و آلبرت

عبدالرحیم در این حادثه چهار سال بیش ندارد و پس از به قتل رسیدن پدرش، محمد امین دیوانه و بابازنبور و یادگار حسین و عده‌ای دیگر از دوستان و ملازمان و خادمان بیرم خان، عبدالرحیم و مادرش را از آن ورطه نجات داده و به شهر احمدآباد می‌رسانند. عبدالرحیم را به دربار اکبر می‌آورند و وی عبدالرحیم را در کنف اقبال خود جایگیر می‌سازد. او در دربار اکبر رشد می‌کند و هنرمندان و سخنوران علمای دربار وی، عبدالرحیم را آموزش می‌دهند تا به غایتی که در موسیقی و شعر و زبان دانی و نجوم به حد عالی می‌رسد.



عبدالرحیم در چهار سالگی، اکبرنامه، موزهٔ ویکتوریا و آلبرت

کثرت فنون و فضایل خان‌خانان به اندازه‌ای است که عبدالباقی نهبوندی اثر سه

جلدی مآثر رحیمی را در سال ۱۰۲۴ ق برای ذکر فضایل او و اجداد و متعلقانش تألیف می‌کند. از جمله فضایی که عبدالباقی در ذکر عبدالرحیم خان خانان بیان می‌دارد این است که:

به زبان هندی اشعار متین و ابیات دلنشین از بحر طبع به ساحل ظهور رسانیده اند و در طرز موسیقی اهل هند طبع عالی و ذهن متعالی این هوشمند به غایت می‌رود، استادان این فن در تصانیف مشکله و در امور دقیقه به ایشان محتاج‌اند و تصانیف مشهوره ساخته‌اند و در میانه طول هند مشهور و معروف است و می‌گویند مهارتی تمام ایشان را در این علم هست که هیچ از اهل هند را نیست و در طرز موسیقی و علم ادوار به روش اهل ایران ثانی و نظیر و عدیل ندارند، چه هم علم آن را که شعبه‌ای است از ریاضی خوب ورزیده و به منتهای آن رسیده و هم عمل آن را از استادان این فن که همیشه در بندگی ایشان بوده و هستند درگذرانیده (عبدالباقی نهایندی، ج ۲، ص ۵۹۰).

به سبب کثرت خدمات وی در حق زبان و فرهنگ فارسی، عبدالباقی نهایندی از او با عنوان «هندستان ایران‌ساز» (همو، ج ۲، ص ۶۰۱) یاد می‌کند. او علاوه بر فراهم آوردن شرایط اقامت شاعران فارسی زبان در دربارش کتابخانه‌ای هم‌سنگ کتابخانه سلطنتی اکبر شاه بنا می‌کند که ۲۴ هزار دستنویس در آن نگهداری می‌شده است (حلیم، ص ۳۲۰). این کتابخانه که ریشه در میراث محمد بیرم خان پدر عبدالرحیم دارد (عبدالباقی نهایندی، ج ۲، ص ۵۹۴) محفلی است برای موسیقی دانان و عالمان و کاتبان و مذهب‌بان و نقاشانی چون ابراهیم نقاش، خوشنویس و مذهب و صحاف و حکاک و کتابدار، مادهو نقاش که در شبیه‌سازی و تصویر و نقاشی و طراحی استاد زمان بوده است، مولانا مشفق نقاش، ملا محمد امین جدول، ملا عبدالرحیم عنبرین قلم هروی خطاط کتابخانه عبدالرحیم خان، شجاعا شیرازی داروغه کتابخانه، آقا محمد شیرازی جدول کش و مذهب و داروغه کتابخانه (عبدالباقی نهایندی، ج ۳، ص ۱۶۷۸-۱۶۸۸) و بسیاری دیگر از عالمان علوم مختلفه که به برخی از آنها در مآثر رحیمی اشاره شده است.

### سندی به خط عبدالرحیم خان

از جمله نسخ خطی کتابخانه خان خانان خمسه‌ای است از امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵ ق) به خط سلطانعلی مشهدی (۸۳۹-۹۲۶ ق). این دستنویس به شماره Ms.or.fol.

1278 در کتابخانه برلین نگهداری می‌شود. ابعاد آن  $۳۱/۵ \times ۲۰/۵$  است و شمسه برگ نخست آن چنین است: «برسم کتابخانه نواب خانخان عبدالرحیم میرزا خان ابن خانخان محمد بیرم خان اتمام در سنه ۱۰۲۶». خط متن آن نستعلیق عالی است و در ۲۲۵ برگ کاغذ دولت‌آبادی سفیدکتابت شده است. برگ‌های ۴۶-۵۱، ۹۶-۹۸ و ۱۹۵ در کتابخانه خانخانان نو نویسی شده است. متن و حاشیه دستنویس ملون است ولیکن پیداست که آب رسیده بوده است. حاشیه اوراق ظاهراً توسط کتاب‌آرایان کتابخانه عبدالرحیم خان به تشعیر شکار مزین شده و جلد زردوزی شده‌ای آن را در میان گرفته است.

در حاشیه شمسه رسم کتابخانه، محمد بیرم خان به خط نستعلیق تحریری، شرح آشنایی خود با این دست‌نویس و مشقت تکمیل کتاب و اتفاقاتی که از هنگام آشنایی تا پایان کار تکمیل و تنظیم آن دیده‌اند را ظاهراً در سال ۱۰۲۶ ق نوشته است. این حاشیه دارای نکات سیاسی و هنری است که پس از طرح دست‌نویس خانخانان در ادامه مقاله به آن نکات پرداخته خواهد شد.

در سال هزار و دوازده ورقی چند از این خمسه نفیسه شریفه، میر باقی سمرقندی از گجرات آمد و آورد. چون از باقی کتاب استفسار شد بعد از تجسس بسیار معلوم شد که یک کتاب با چند ورق دیگر پیش مرزا عبدالملک است. انعام آدمیانه نموده از او گرفتیم و تتمه کتاب‌ها را بعد از پرسیدن بسیار از هرکس شنیدیم که در گجرات پیش هرکس چند ورقی بوده است. باز میر باقی با دو سه هزار رویه فرستاده شد که از پیش هرکه باشد هر چه او خواهد داده آن اوراق بیارد. به عنایت الهی چنان شد که تمام این پنج کتاب به دست [آمد]، مگر ورقی چند که ضایع شده باشد. از این میان ده پانزده ورق را شخصی داشت به گمان اینکه اگر خود بیارد و چیزی بیشتر بیاید با چند کتاب دیگر از علوم دیگر گرفته متوجه آگره شد و آن ایام بود که این غریب همراه مهابت‌خان تهمت‌زده به سعایت مغربان صاحب غرض به درگاه رفته بود و از آنجا که نیت درست بود و راستی بر دوام کمال و دولتخواهی در درجه‌اعلی لطف الهی در صورت عنایت بندگان حضرت سلیمان مکانی ظهور یافته از آن بلایا خلاصی یافت:

اگر تیغ عالم بچنید ز جای نبرد رگی تا نخواهد خدای

معاینه دیده شد. مجملآ آن مرد که اوراق این کتاب را با کتاب‌های دیگر می‌آورد در راه زردان آن ده دوازده ورق را بردند؛ به هر حال این کتاب لطیف شریف که خط مولانا سلطانعلی و تصویر بهزاد بود به تمام آمد و تصویرها که در آب افتاده بود آنها ... [فرموده شد که اصلاح نمایند و آن ورقی چند نیز که افتاده بود به محمد مؤمن [هرو] امر کرد که بنویسد و جلد [ش]اود که زردوزی نمایند و حوال[شی] را زینت

بدهند [تا] آنکه ده یازده سال کار می‌کردند تا به اتمام رسید و اینچنین که در ... در تاریخ هزار و بیست و شش کتابت شد. حرره عبدالرحیم ابن محمد بیرم (گ ۱ ر).  
ظاهراً پس از عبدالرحیم خان این خمسه به کتابخانه شاه جهان منتقل شده است و وی بر روی آن چنین نوشته: «الله اکبر، الحمد لله الذی انزل علی عبده الكتاب، حرره شهاب الدین محمد شاه جهان پادشاه».

### اهمیت سیاسی حاشیه عبدالرحیم خان

از جمله حوادثی که خان خانان در این یادداشت از آن یاد می‌کند احضار به دربار اکبر شاه است. این حادثه ظاهراً در سال‌های ۱۰۱۲ یا ۱۰۱۳ رخ داده و می‌توان آن را با تواریخ باقی مانده از روزگار اکبر تطبیق داد. نزدیک‌ترین این تواریخ به دوره اکبر که وقایع را به صورت مشروح درج کرده است اکبرنامه است.

از آنجا که حوادث حیات اکبر تا سال ۱۰۱۰ ق به قلم ابوالفضل علامی در اکبرنامه ذکر شده است، او سخنی از وقایع سال‌های ۱۰۱۲ یا ۱۰۱۳ ق ذکر نمی‌کند، ولیکن خوشبختانه در زمان شاه جهان، عنایت‌الله نویسنده تاریخ دلگشا از سوی شاه جهان مأمور می‌شود تا حوادث آخرین سال‌های سلطنت اکبر را تکمیل کند و اکبرنامه را تا سال ۱۰۱۴ ق ادامه دهد (آفتاب‌صغر، ص ۱۸۶). بنابر این در تکمله‌ای که او نگاشته، حادثه‌ای که خان خانان از آن یاد می‌کند ذکر شده است.

با انطباق سخنان عبدالرحیم خان خانان با تکمله عنایت‌الله بر اکبرنامه می‌توان تا حدی حادثه رخ داده را تبیین کرد. عنایت‌الله هنگام بیان حوادث روی داده به سنه ۱۰۱۳ قمری از فراخوان حکام نواحی مختلف تحت پادشاهی اکبر یاد می‌کند و پیش‌کش‌ها و مناصبی را که هر یک از ایشان در این گردهم‌آیی کسب می‌کنند ذکر می‌نماید و سپس از کسانی یاد می‌کند که به دلایلی در فراخوان حاضر نشده‌اند، از جمله این افراد عبدالرحیم خان است، او می‌گوید:

در این هنگام چون به والا عرض خدیو دادگر رسید [باقی خان آئین ملکداری و پاسبانی (که عبارت از رعیت‌پروری ست) گذاشته دست ستم و تعدی به مال و ناموس زبردستان دراز می‌کند و بیدادگری در قلمرو رواج گرفته] مالش آن ستمکار جورپرست و یازش ولایت موروثی از باطن قدسی سربرزد، همگی سگالش آنکه سرزمین از تاب

آفتابِ ظلم و جفا در سایهٔ معدلت درآیند و در لباس جهانگیری و ملک‌ستانی عبادت ایزدی به جای آید، چون خان خانان و راجه مانسنگهه و قلیچ خان بزرگ نوئیان درگاه دولت حضور نداشتند، فرمان طلب هرکدام رفت که زود به آستان والا رسیده در یساق توران زمین ژرف‌نگهی به کار برند و دوراندیشی و نیک بسیچی به عرض اقدس رسانند. خان خانان از آنجا (که خمیر مایهٔ صدهزار مکر و فریب بود) مهمّ دکن را بس گران را<sup>۱</sup> نموده ماندن خود برگزید و از این سعادت دوری جست (عنایت‌الله، ج ۳، ص ۸۳۴-۸۳۵).

موضع تاریخ‌نویس نسبت به رویداد بیانگر آن است که باوجود نگارش آن از روی روزنامه‌های حوادث دورهٔ اکبر در زمان سلطنت شاه جهان، تصمیم دارد عبدالرحیم خان را مقصّر جلوه دهد، درحالی که عبدالرحیم خان «سعایت مغربان صاحب غرض» را دلیل فراخوان خویش و بروز کدورت می‌داند و از روایت جانبدارانهٔ نویسندهٔ ذیل اکبرنامه این سخن عبدالرحیم خان بی‌وجه به نظر نمی‌آید. همچنین راوی تاریخ پس از اتمام ذکر حادثه به این امر اشاره نمی‌کند که عبدالرحیم خان سرانجام به دربار می‌آید و رفع کدورت صورت می‌گیرد.

### اهمیت هنری یادداشت خان خانان

از دیگر وجوه اهمیت این سند تاریخی به خط خان خانان، شیوهٔ گردآوری و تنظیم دست‌نویس‌ها در کتابخانهٔ اوست. همچنین با توجه به این یادداشت می‌توان زمان تقریبی حضور برخی از هنرمندان دربار خان خانان را در کتابخانهٔ وی مشخص کرد، چنانکه معلوم می‌شود میر باقی سمرقندی و یا آنگونه که عبدالباقی نهایندی از او یاد می‌کند «میر باقی ماوراءالنهری» در سال ۱۰۱۲ در کتابخانهٔ خان خانان بوده و به «داروغگی کتابخانه» (عبدالباقی نهایندی، ج ۳، ص ۱۶۸۰) اشتغال داشته است.

از دیگر کسانی که عبدالرحیم خان در دست‌نویس خود از آنها یاد می‌کند «محمد مؤمن» است. در این ایام چنانکه از تواریخ و تذکره‌ها مستفاد می‌شود دو شخص با نام «محمد مؤمن» از خراسان به هند رفته‌اند. نخست محمد مؤمن استرآبادی که شاعر بوده

۱. به سیاق متن «وانموده» صحیح می‌نماید.



و مطابق سخن تقی کاشی در سال ۹۸۷ ق پس از سفر حج به هند رفته است (گ ۲۹۱ پ).  
ولیکن وی شاعر و در علوم عقلی شاگرد فخرالدین سماکی بوده است؛ اما محمد مؤمن  
دیگر، هروی ست و با برادر خویش که صحاف دربار خان خانان است از هرات آمده بود.  
«الحال مدت سی و پنج سال است که در این کتابخانه به خدمتگاری اشتغال دارد» (عبدالباقی نپاوندی،  
ج ۳، ص ۱۶۸۰). ظاهراً همین خطاط نستعلیق نویس است که اوراق افتادهٔ خمسه را  
نونویسی کرده و کتاب‌های زیادی را برای کتابخانهٔ عبدالرحیم خان کتابت نموده است.

از محمد مؤمن هروی آثار دیگری نیز باقی مانده است. از جمله اسکندرنامهٔ ثنائی  
مشهدی به شمارهٔ Or ۱۱۶۴ در کتابخانهٔ ملی آلمان در برلین، رسالهٔ وجودیه سید شریف  
جرجانی به شمارهٔ ۵۰۹۵ در کتابخانهٔ مجلس شورا و شاهنامهٔ مورخ ۱۰۱۳ ق محفوظ در  
کتابخانهٔ ملی ملک که مرحوم بیانی از آن یاد کرده‌اند (ج ۳، ص ۸۴۶).

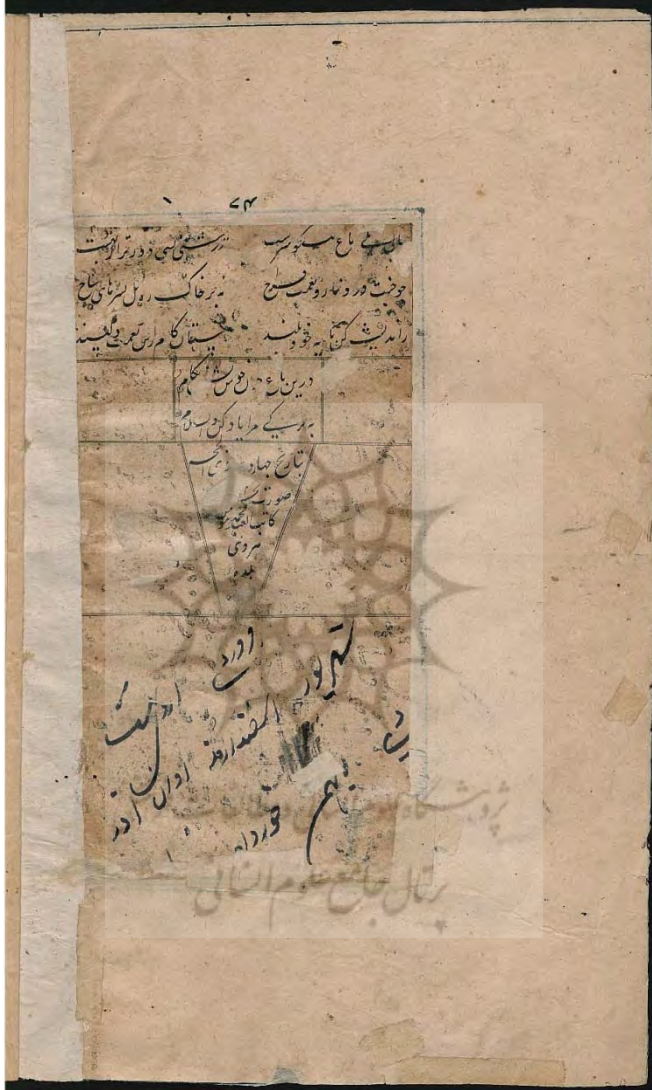
این دست‌نویس از خمسهٔ امیر خسرو دهلوی علاوه بر تشعیرهای متنوع در هر یک از  
اوراق، هفت نگاره دارد که یقیناً کار نقاشان کتابخانهٔ عبدالرحیم خان است و خود در بیان  
شیوهٔ نگارگری ایشان برای مورخان تاریخ هنر حائز اهمیت است.

از عبدالرحیم خان دو تصویر در این مقاله درج شده است، یکی اثر منوهر و در مرقع  
جهانگیری یا همان مرقع گلشن که در حاشیهٔ آن جهانگیر به قلم خود صاحب هریک از  
تصاویر را مشخص کرده است و ذیل تصویر خان خانان نگاشته «شبیبه خان خانان در سن  
شصت و پنج، رقم منوهر، سنهٔ سیزده جلوس». این یادداشت در سال ۱۳ جلوس جهانگیر  
(۱۰۲۷ ق) کتابت شده است و سال تولد عبدالرحیم خان با توجه به این یادداشت ۹۶۲ ق  
خواهد بود، در حالی که طبق تواریخ موجود او در ۹۶۴ ق متولد شده است و در سال ۱۳  
جلوس جهانگیر ۶۳ ساله بوده است.

تصویر دیگر که در گالری هنر فریر در واشینگتون به شمارهٔ F1939.50a نگهداری  
می‌شود اثر هاشم است و ظاهراً در آخرین سال حیات عبدالرحیم خان یعنی سنهٔ  
۱۰۳۶ ق رسم شده است. این تصویر نسبت به تصویر اثر منوهر به خوبی گذشت یک دهه  
را بر چهرهٔ سپهسالار اکبر و جهانگیر نشان می‌دهد.



حواشی خان خانان بر خمسہ امیر خسرو دہلوی



اسکندرنامه ثنائی مشهدی، کتابت محمد مؤمن هروی، محفوظ در کتابخانه برلین

## منابع

- آفتاب اصغر، تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاهور، ۱۳۶۴.
- ابوالفضل علامی، اکبرنامه، تصحیح عبدالرحیم، انجمن آسیایی بنگال، کلکته، ۱۸۸۷ م.
- \_\_\_\_، اکبرنامه، موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن، ش IS.2:96-1896.
- امیر خسرو دهلوی، خمسه، دست‌نویس MS.or.fol.1278 برلین.
- بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۳.
- حلیم، حسین جعفر، شرح احوال و آثار عبدالرحیم خان خانان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۷۱.
- شاهنواز خان، صمصام الدوله، مآثر الامرا، تصحیح عبدالرحیم، انجمن آسیایی بنگال، کلکته، ۱۸۸۸ م.
- عبدالباقی نهاوندی، مآثر رحیمی، تصحیح محمد هدایت حسین، باپتس مشن، کلکته، ۱۹۲۴ م.
- عنایت‌الله، تتمه بر اکبرنامه، تصحیح عبدالرحیم، انجمن آسیایی بنگال، کلکته، ۱۸۸۷ م.
- منوهر، مرقع گلشن، دست‌نویس برلین شمارهٔ III : 50S.
- هاشم، مرقع جهانگیری، شبیه عبدالرحیم خان خانان، شمارهٔ ثبت F1939.50a واشینگتن، گالری هنر فریر.